



## سخنان تاریخی پیامبر در حجة الوداع

... در آن روز، سرزمین عرفه شاهد اجتماعی عظیم و باشکوه بود، و ملت حجاز تا به آنروز، چنین اجتماعی را به یاد نداشت. ندای توحید و شعار یگانه پرستی در آن سرزمین طنین انداز بود، نقطه‌ای که تا چندی پیش، اقامتگاه مشرکان و بت پرستان بود، برای ابد، پایگاه رجال توحید و توده خداپرستان گردید. پیامبر نماز ظهر و عصر را در سرزمین عرفات با صد هزار تن بجا آورد، پیروزی اسلام بر کفر، مسلم و قطعی گردید. پیامبر خطبه تاریخی خود را در آنروز، در حالی که روی شتر قرار گرفته بود، ایراد فرمود، و یکی از یاران او - که صدای بلند و رسائی داشت - سخنان او را تکرار کرده به گوش دور دستان میرسانید.

او در آنروز سخنان خود را چنین آغاز کرد و گفت: «ای مردم سخنان مرا بشنوید، شاید پس از این، شمارا در این نقطه ملاقات نکم».

«ای مردم خونها و اموال (۱) شما بریکدیگر تا روزی که خدا را ملاقات نمائید مانند امروز و این ماه، محترم، و هر نوع تجاوز به آنها حرام است».

پیامبر برای اینکه از رسوخ و تأثیر پیام خود پیرامون احترام جان و مال مسلمانان مطمئن شود، به «ریبعه بن امیه» فرمود: «از آنان چند مطلب زیر را پرسید و بگویند: این ماه چه ماهی است؟ همگی گفتند، ماه حرام است و جنگ و خونریزی در این ماه ممنوع و غدغن می‌باشد. پیامبر به ریبعه گفت: به آنان بگو: خداوند خونها و مالهای شما را بریکدیگر تا روزی که رخت از این جهان بر بندید مانند این ماه حرام کرده و محترم شمرده است».

«باز فرمود از آنان پرس: این سرزمین، چه سرزمینی است؟ همگی گفتند: سرزمین محترم و خونریزی و تجاوز در آن، شدیداً ممنوع است فرمود: به آنان برسان خون و مال شما بدان این سرزمین محترم و هر نوع تجاوز به آنها ممنوع میباشد»

۱ - و نوامیس و اعراض به خصال صدوق ج ۲ ص ۸۴ مراجعه شود.

« باز فرمود از آنان سؤال کن : امروز چه روزی است ؟ ! گفتند : حج اکبر است . فرمود : به ایشان ابلاغ کن خون و مال شما بسان امروز محترم می باشد (۱) .  
 « هان ای مردم بدانید : خونهائی که در دوران جاهلیت ریخته شده ، همگی باید به دست فراموشی سپرده شود ، و قابل تعقیب نیست ، حتی خون این ربیعه ( یکی از نزدیکان پیامبر ) نیز باید فراموش گردد » .  
 « شما به زودی به سوی خدا باز میگردید ، در آن جهان به اعمال نیک و بد شما رسیدگی میشود . من به شما ابلاغ میکنم : هر کس امانتی نزد او باشد باید آنرا به صاحبش بازگرداند » .

« هان ای مردم ! بدانید با در آئین اسلام شدیداً حرام است ، کسانی که سرمایه های خود را در راه اخذ ربا ، به کار انداخته اند ، فقط میتوانند سرمایه های خود را باز ستانند ، نه ستم کنند و نه ستم بکشند و ربیحه که عباس قبل از اسلام از بندهکاران خود ، میخواست اکنون ساقط است ، و حق مطالبه ندارد » .

« ای مردم ! شیطان از اینکه در سرزمین شما مورد پرستش قرار گیرد ، نومید گشته ، ولی اگر در امور کوچک از او پیروی کنید ، از شما راضی و خرسند میگردد . از پیروی شیطان پرهیزید » .

« تغییر و تبدیل (۲) ماههای حرام ، ناشی از افراط در کفر است ، و افراد کافری که با ماههای حرام آشنائی ندارند ، بر اثر این تبدیل ، گمراه میشوند ، و این تغییر باعث میشود که ماه حرام یکسال ماه حلال گردد ، و سال دیگر ماه حرام شود . آنان بدانند که با این عمل حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام میکنند » .

« باید ترتیب ماههای حلال و حرام در سال ، به سان روزی باشد که خداوند در آن روز آسمان و زمین و ماه و خورشید را آفرید ، شماره ماهها نزد خدا دوازده تا است ، و چهار ماه از آن دوازده ماه را ماه حرام قرار داده است و این چهار عبارتند از ذی القعدة و ذی الحجة و محرم که پشت سرهم قرار دارند ، و ماه رجب » .

« هان ای مردم زنان شما بر شما حق دارند ، شما نیز به گردن آنان حق دارید ، حق شما اینست که بدون رضایت شما ، کسی را به خانه نپذیرند ، و مرتکب خلافتی نشوند ، و در غیر این صورت خدا به شما انان داده که بستر آنها را ترک کنید و آنان را تأدیب نمائید ، و اگر به راه حق باز گشتند ، سایه لطف و محبت خود را بر بستر آنها بیفکنید ، و وسائل زندگی آنها را بطور مرفه فراهم سازید » .

۱ - سیرة ابن هشام ج ۲ ص ۶۰۵ .

۲ - متولیان کعبه با گرفتن پول از قبائلی که اندیشه جنگ و خونریزی در ماههای حرام را در مغز داشتند ، ماههای حرام را تغییر داده ، و بجای آنها ، ماههای دیگری را ماه حرام اعلام میکردند .

« من در این سرزمین به شما سفارش میکنم که به زنان نیکی کنید، زیرا آنان امانتهای الهی در دست شما هستند، و با قوانین الهی بر شما حلال شده‌اند. »

« هان ای مردم در سخنان من دقت کنید و بیندیشید من در میان شما دو چیز به یادگار می‌گذارم که اگر به آن چنگ بزنید گمراه نمیشوید، یکی کتاب خدا و دیگری سنت و گفتار من است (۱). »

« هان ای مردم سخنان مرا بشنوید و درباره آنها فکر نمائید هر مسلمانی با مسلمان دیگر برادر است، و همه مسلمانان جهان با یکدیگر برادرند، و چیزی از اموال مسلمانان برای مسلمانان حلال نیست مگر اینکه آنرا به طیب خاطر به دست آورده باشد (۲). »  
« هان ای مردم، حاضران به غائبان برسانند، بعدازمن پیامبری نیست، و پس از شما مسلمانان امتی نیست (۳). »

« ای مردم بدانید من امروز اعلام میکنم که کلیه مراسم و عقائد دوران جاهلی رازیر پای خود نهاده بطلان آنرا به اطلاع شما میرسانم (۴). »  
در این موقع پیامبر سخنان خود را قطع کرد و درحالی که با انگشت سیاه (انگشت شهادت) به آسمان اشاره میکرد، گفت بارالها پیامهای ترا رسانیدم، سپس پیامبر با گفتن سه بار « اللهم اشهد » گفتار خود را به پایان رسانید.

\*\*\*

پیامبر تا غروب روز نهم در عرفه توقف نمود و وقتی آفتاب در افق مغرب پنهان گشت، و هوا کمی تاریک شد بر شتر خود سوار شد، و قسمتی از شب را در « مزدلفه » و فاصله طلوع فجر و آفتاب در مشعر پهسربرد، روز دهم رهسپار « منی » گردید و مراسم « رمی جمره » و قربانی و « تقصیر » را انجام داد. برای انجام سایر مراسم حج عازم مکه گردید، و بدینوسیله مناسک حج را به مردم آموخت. در لسان حدیث و تاریخ

۱ - پیامبر در این خطبه تاریخی، قرآن و سنت را به مردم توصیه نموده و در خطبه غدیر، و روزهای رحلت خود کتاب خدا و عترت خویش را سفارش کرده. و این دو حدیث از آنجا که در دو واقعه وارد شده‌اند، بایکدیگر منافاتی ندارند. زیرا هیچ مانعی ندارد که پیامبر در يك واقعه سنت را معادل قرآن قرار داده بیادگار بگذارد و در مورد دیگر، خاندان و جانشینان خود را توصیه نماید و پیروی از آنان را که در حقیقت پیروی از خود او و سنت نیز هست، تأکید کند برخی از علماء اهل تسنن در تفسیر خود تصور کرده که پیامبر فقط در يك واقعه سخن گفته، و در باورقی، لفظ « عترت » را به عنوان نسخه بدل ذکر کرده است. در صورتی که مانیازی به چنین تصحیح نداریم، زیرا اصولاً تعارضی میان دو نقل نیست تا از این طریق مطلب را حل نمائیم.

۲ - سیره ابن هشام ج ص ۶۰۵ ۳ - خصال صدوق ۲۹۰ ص ۸۴

۴ - بحار ج ۲۱ ص ۴۰۵

گاهی این سفر تاریخی را « حج وداع » و گاهی حج «بلاغ» و حج اسلام مینامند ، و هر کدام از این نامها روی مناسبتی است که وجه آن برای افراد بصیر پنهان نیست . در پایان این نکته را متذکر میشویم که مشهور میان محدثان اینست که پیامبر این خطبه را در روز عرفه ایراد فرموده است ولی برخی (۱) معتقدند که این خطبه در روز دهم ذی الحجه ایراد شده است .

۱ - طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ .

### دنیا بر بستری از میلیونها تن قدرت اتمی و هیدروژنی

امروزه دنیا بر روی بستری از ۱۲۰۰۰ مگاتن (هرمگاتن ۱۰۰۰۰ تن معمولی است) قدرت اتمی و هیدروژنی بسر میبرد که در صورت احتراز از جنگ ، حتی انفجار تصادفی آنها در انبارهایشان کفایت کره زمین را بکلی منفجر و نابود سازد . با وجود چنین سلاحها و انبار های مهمات وحشتناکی يك جنگ انهدامی مهیب فقط از طریق تلفات متقابل محاسبه می شود ، نه از روی امتیازات حریفی که بیشتر چنین سلاحها را بکار میبرد . انهدام ، انهدام و باز هم انهدام ، قانون اصلی جنگ مهیبی خواهد بود که کابوس آن از روی این بستر اتمی در سراسر زمین پخش شده و دولت فاتحی در آن وجود ندارد .

حتی برای بکار بردن این قوه خطرناک چنان راهها و طرق پیش بینی نشده و محرمانه ای وجود دارد که هر چه دولتهای بزرگ درباره پیش بینی ، دفاع و خنثی کردن آن بگویند ، ادعائی بیش نیست ، زیرا حقیقتاً در مقابل انهدام اتمی - هیدروژنی ، بشر هیچگونه وسیله دفاع قاطعی ندارد و همه موشکهای ضد موشک نیز ، اگر فقط از یکی از موشکهای حریف غفلت کنند ، انهدام قطعی است .

«جرائد»